«اجل معلق»؛ گفتمان مرگ یا زندگی؟

فرزین جیرانی جامعه‌شناس و منتقد سینما

■ گروه فرهنگ و هنر – «اجل معلق» نمونه‌ای برجسته از تلفیق هوشمندانه کمدی و درام اجتماعی است که با حضور بازیگران مطرحی چون رضا عطاران، عباس جمشیدی‌فر، بهزاد خلج، الیکا عبدالرزاقی، گیتی قاسمی و سیاوش چراغی‌پور، توانسته تصویری زنده و ملموس از بحران‌های طبقه کارگر در جامعه معاصر ایران ارائه دهد.

سریال «اجل معلق» که به کارگردانی عادل تبریزی و نویسندگی حمزه صالحی در بستر پلتفرم نمایش خانگی منتشر شده، برخلاف بسیاری از آثار جدی، با فضایی دلنشین و طنزپردازی ظریف، موضوعات حساس و تلخ اقتصادی و اجتماعی را به زبانی قابل فهم و تأمل‌برانگیز بیان می‌کند.

یکی از مهم‌ترین موضوعات سریال، بازنمایی شرایط بحرانی طبقه کارگر است که با تغییرات ناگهانی در بازار کار مواجه شده‌اند. اخراج داود و غلام از کارگاه به دلیل تغییر شغل و ناتوانی در انطباق با مهارت‌های جدید، نمادی از ناامنی شغلی و بحران هویت کارگران است که در نظریه‌های مارکس و بوردیو به عنوان تجربه بیگانگی و کاهش سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی مطرح شده است. این بحران اقتصادی به بیکاری، فقر و فروپاشی زندگی خانوادگی منجر می‌شود که در سریال با ظرافت و عمق به تصویر کشیده شده است.

نماد سر گوزن، یادآور فیلم سینمایی «گوزن‌ها» ساخته استاد مسعود کیمیایی است که به عنوان نماد طبقه کارگر و قربانیان ساختارهای ناعادلانه شناخته می‌شود. حضور این نماد در سریال «اجل معلق» به شکلی هوشمندانه و چندلایه، تضاد میان طبقه کارگر و طبقه مرفه، و همچنین تعلیق میان زندگی و مرگ را تداعی می‌کند. فیلم همچنین به مساله بی‌هویتی و از دست دادن جایگاه اجتماعی کارگران می‌پردازد؛ آنها که نه تنها از نظر اقتصادی فقیر و محروم شده‌اند، بلکه از نظر روانی و اجتماعی نیز دچار بحران و سرگشتگی شده‌اند. سر گوزن نمادی از رنج و قربانی شدن طبقه کارگر است.

یکی از سکانس‌های برجسته و نمادین سریال، گفتگوهای داود کنار سطل زباله شهرداری است که در آن، پوند انگلیس به عنوان نماد قدرت و غرب مطرح می‌شود. زباله‌گردی که به خاطر شرایط اقتصادی ناگزیر به جمع‌آوری زباله شده، با دیدن پوند به شکلی رؤیایی و معنوی واکنش نشان می‌دهد؛ این صحنه با ظرافت نشان می‌دهد که چگونه مردم در شرایط نابرابر اقتصادی، حتی نمادهای کوچک و دور از دسترس ثروت غربی را به عنوان فرصت نجات و تحقق رویاهای خود می‌بینند.

برخورد داود با مرگ و فرشته مرگ در قالب یک بازی شیرین، بازتابی از تغییر نگرش به مرگ در جوامع مدرن و شرایط سخت زندگی است. مرگ که در بسیاری از آثار نمایانگر نهایت تلخی و پایان است، در «اجل معلق» به بخشی از بازی روزمره و حتی طنز تبدیل شده است. این رویکرد نه تنها از نظر سینمایی نوآورانه است بلکه از منظر جامعه‌شناسی، بازتابی از نظریه «روزمرگی مرگ» است که نشان می‌دهد چگونه افراد در شرایط بحرانی، مرگ را به عنوان یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر و حتی موضوعی کم‌اهمیت و شوخ‌طبعانه می‌پذیرند. این نگاه، به ویژه در شخصیت داود که بارها مرگ را تجربه کرده و از آن نمی‌ترسد، به خوبی ملموس است.

با این حال، باید توجه داشت که این مواجهه بی‌تفاوت و گاه شوخ‌طبعانه با مرگ، نه نشان‌دهنده بی‌تفاوتی نسبت به زندگی، بلکه برعکس، نمادی از تشنگی عمیق داود برای زندگی است. او که مرگ را چون اجل معلقی در زندگی خود به کرات دیده و تجربه کرده، حاضر است حتی جهنم را تجربه کند به شرط آنکه خانواده‌اش یک بار مزه خوشبختی، آرامش و لذت را بچشند؛ چیزهایی که برای طبقه مرفه جامعه امری عادی به نظر می‌رسد اما برای او و هم‌طبقه‌ای‌هایش دست‌نیافتنی است. این تضاد میان تشنگی شدید برای رسیدن به معنای زندگی با پذیرش تلخی‌های مرگ، یکی از لایه‌های پیچیده روانشناختی و جامعه‌شناختی شخصیت داود است که سریال با ظرافت بی‌نظیری به آن پرداخته است.

نکته قابل توجه دیگر، پرداخت به موضوع فساد ساختاری از طریق کشف پول‌های اختلاس شده در سیستم دولتی است که روایت سریال را به سمت نقد بی‌عدالتی‌های سیاسی و اقتصادی سوق می‌دهد. این موضوع بازنمایی رابطه پیچیده قدرت و سرمایه است که چگونه منابع عمومی به نفع اقلیت‌های خاص مصادره می‌شود و طبقه کارگر را بیش از پیش در معرض آسیب قرار می‌دهد.

از نظر سینمایی، «اجل معلق» با کارگردانی دقیق و فیلمنامه هوشمندانه موفق شده است تعادل ظریفی میان کمدی و درام برقرار کند. طنز سریال نه تنها برای ایجاد فضای سرگرم‌کننده بلکه به عنوان ابزاری برای نقد اجتماعی عمل می‌کند و مخاطب را به اندیشه و تأمل دعوت می‌کند. بازی‌های درخشان رضا عطاران و سایر بازیگران به شکلی طبیعی و باورپذیر، شخصیت‌هایی را خلق کرده‌اند که هم دردهایشان ملموس است و هم ظرفیت همذات‌پنداری بالا دارد. فضاسازی و طراحی شخصیت‌ها به خوبی توانسته‌اند واقعیت‌های پیچیده اجتماعی را در قالبی ساده و دلنشین به تصویر بکشند.

در مجموع، «اجل معلق» نمونه‌ای برجسته از آثار پلتفرمی است که با بهره‌گیری از کمدی اجتماعی و نمادگرایی هوشمندانه، توانسته است به مسائلی عمیق و جدی در جامعه ایران بپردازد. این سریال نه تنها تصویری واقع‌گرایانه و چندبعدی از زندگی طبقه کارگر ارائه می‌دهد، بلکه با رویکردی نوآورانه و انسانی، مخاطب را به تفکر درباره نابرابری‌ها، معنا و مفهوم زندگی و مرگ و نقش ساختارهای اجتماعی در شکل‌دهی به سرنوشت افراد دعوت می‌کند. این اثر می‌تواند به عنوان یک مطالعه موردی مهم در حوزه جامعه‌شناسی فرهنگی و سینما مورد توجه قرار گیرد و نمونه‌ای موفق در تلفیق هنر و نقد اجتماعی باشد.

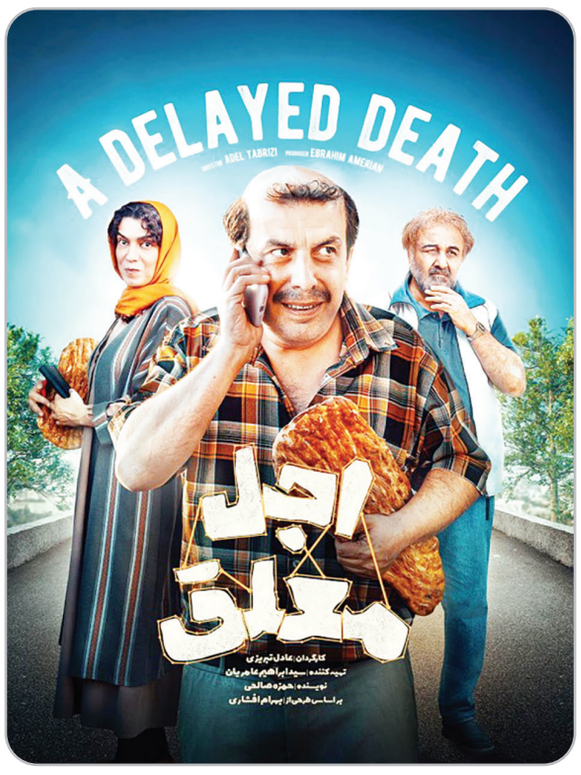

غیبت موجه؛ نقدی بر مدیریت مسئولین و نگاهی به اتفاقات روز جامعه

گروه فرهنگ و هنر– فیلم سینمایی غیبت موجه با درامی اجتماعی، مدیریت مسئولین را نقد می‌کند و نیم نگاهی به اتفاقات روز جامعه دارد.

به بهانه اکران فیلم سینمایی "غیبت موجه" که پس از چهار سال توقیف مرداد ماه ۱۴۰۴ اکران خصوصی این فیلم سینمایی به تهیه‌کنندگی و کارگردانی عباس رافعی برای اهالی سینما در تالار ایوان شمس رونمایی شد، گفت‌وگویی با مصطفی فرجی منتقد سینما شده است.

غیبت موجه داستان راز آلود زنی را روایت می‌کند که در جامعه امروز ایران در جستجوی گمشده‌اش است، اما در هر مقطع از این جستجو با واقعیت‌هایی روبرو می‌شود که در یافتن گمشده‌اش مصمم‌تر می‌شود در نهایت در می‌یابد که غیبت گمشده‌اش موجه و حاصل این جستجوها یافتن خودش بوده است.

شایان ذکر است فیلم سینمایی غیبت موجه در سال ۱۳۹۹ ساخته شده بود که بعد از چهار سال رفع توقیف گردید و به چرخه اکران در سینماهای کشور آمد.

مصطفی فرجی منتقد سینما گفت: محوریت داستان غیبت موجه، درامی اجتماعی در یک دبیرستان است که مادر (میترا حجار) برای دیدن فرزندش به مدرسه مراجعه می‌کند که مدیر (ابوالفضل پورعرب) و ناظم مدرسه (علی اوجی) متوجه می‌شوند که پسر این مادر در مدرسه نیست و به موازات به جستجوی پسر می‌پردازند. در ادامه اتفاقات جالب و دیدنی در مدرسه بوجود می آید که برای مخاطب قابل توجه و دیدنی است.

وی از ارتباط مخاطب با این اثر سینمایی گفت: عباس رافعی از تعلیق هیچکاکی استفاده کرده است که بیننده را تا پایان فیلم با خود همراه می‌کند. در حین فیلم مخاطب اتفاقاتی را کنار این تعلیق مشاهد می کند و همچنان منتظر نتیجه جستجو مادر است که بالاخره پسر این مادر کجاست و چه حادثه ای برای وی رخ داده است. در این بین مدیر و همکارانش در صدد حل رفع فاضلاب چاه مدرسه هستند.

وی افزود؛ رافعی بجز نتیجه فیلم که موضوعی اجتماعی و خانوادگی دارد با تیز هوشی نگاهی سیاسی هم داشت. او مدرسه را به عنوان یک کشور و مدیر و همکارانش را اعضای هیات دولت قرارداد. به عنوان مثال گرفتن چاه فاضلاب که توسط دو نفر چاه باز کن که سه مرتبه فنر زدند و نتوانستند چاه را باز کنند نشان از بی تخصصی آنها است. یعنی در کشور مسئولین از افراد بی تخصص که مشغول کار هستند و تخصص آنها با پستشان همخوانی ندارد استفاده می‌کنند.

فرجی ادامه‌داد: جالب تر این است که عباس رافعی در این فیلم به سال ۹۹ و به ورود افغانی های غیر مجاز اشاره داشت که برای کار به کشور آمده اند و آنها می گویند که کل چاهای ایران را ما افغان‌ها کنده ایم و داستان های دیگر فیلم. این فیلم دقیقا روایت اتفاقاتی است که در دولت و مسئولین وجود دارد که از مسئولیتشان برای خودشان بهره می برند و مردم در مرحله بعد قرار دارند.

وی تاکید کرد: وقتی عباس رافعی در سال ۹۹ به مسئولین هشدار می دهد که از خواب غفلت بیدار شوید و جلوی ورود افغان های غیر مجاز بگیرید که متاسفانه این فیلم توقیف می شود و این‌پیام فیلم بایکوت می ماند. امسال که ۱۴۰۴ رژیم صهیونیستی به کشور حمله می کند دولتیان تازه از خواب غفلت بیدار شده و کلیه افغان‌های غیر مجاز را اخراج می‌کند.

وی از علت توقیف فیلم گفت: توقیف فیلم نه بخاطر وجود اتفاقات منفی در مدرسه و زیر سوال بردند آموزش و پروش است؛ بلکه بیشتر بخاطر انتهای داستان که تعلیق به پایان می رسد و با ورود سام نوری که پدر پسر گمشده می باشد مشخص می شود که میترا حجار مادر پسر گمشده نیست. در نتیجه پسر چون فرزند طلاق است و بی مادر بزرگ شده در اینجا به میترا حجار پناه آورده و میترا حجار نیز که طلاق گرفته و از شوهرش خیری ندیده بوده، به سام نوری می گوید قصد ساختن مردی سالم برای خود داشته است. نام فیلم "غیبت موجه" برگرفت از همین غیبت و نلود پسر در مدرسه سرچشمه گرفته است.

وی تلاش رافعی را قابل تقدیر دانست و گفت: این اتفاقات در جامعه فراوان است و اینکه عباس رافعی تلاش کرده که این فیلم بعد از چهار سال اکران شود قابل تقدیر است. امیدوارم مسؤلین سنجیده عمل کنند و باعث اجحاف در حق هنرمندان و تهیه کنندگان نشوند. همچنین موضوع توقیف باعث کنجکاوی مخاطبان می‌شود که در نتیجه بیشترین مخاطبان را به خود جذب می کنند

جهت درج آگهی ثبت شرکتها در روزنامه محلی اقتصاد کیش
به نشانی: روبروی دادگستری قدیم کیوسک احمد نیک پور مراجعه فرمائید
۰۹۳۴۷۶۸۰۹۷۷